

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۴، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۴۶ - ۲۷

بررسی کارکردهای دین‌ورزی صوفیانه زنان پیرو دو طریقت قادریه و نقشبندیه در شهر سقز

محمد صادق فرید*

بیان علایی حسینی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۲

چکیده

جوامع مختلف انسانی بسته به شرایط مکانی - زمانی و مقتضیات اجتماعی و جنسیتی، روش‌ها و تجربه‌هایی متفاوت در دین‌ورزی داشته‌اند؛ روش‌هایی که کارکردشان، تأمین بخشی از نیازهای فرهنگی - اجتماعی این جوامع است. داده‌های حاصل از این پژوهش انسان‌شناختی بر روی زنان پیرو دو طریقت قادریه و نقشبندیه ساکن شهر سقز از توابع استان کردستان نشان می‌دهد که آنان توانسته‌اند به مدد یک "مسلك دینی"، هم نیازهای روانی مرتبط با مفاهیم ماوراءالطبیعه‌شان را تأمین کنند و هم آزادی‌های اجتماعی بالنسبه بیشتری در مقایسه با دیگر زنان در همان جامعه برای خود ایجاد کنند. آنان هم‌چنین با ایجاد برخی تغییرات در شیوه اجرای مناسک، قواعد و مراسم صوفیانه، سبکی زنانه از این شیوه‌های دین‌ورزی ایجاد کرده‌اند. محقق بیش از ۱۸ ماه، به تناوب در مراسم و مناسک این گروه از زنان حضور داشته و از فنون پژوهش انسان‌شناسی شامل مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمقی برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر استفاده کرده است.

کلید واژگان: تصوف، دین‌ورزی، زنان، سقز، طریقت قادریه، طریقت نقشبندیه، کارکرد.

* استادیار گروه مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

b_alaii60@yahoo.com

** کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه و بیان مسئله

انسان و دین رابطه‌ای به درازی تاریخ دارند. بشر در سایه دین و از طریق رابطه میان خود و خدا یا خدایان خود توانسته است بر برخی مشکلات پیرامونش فائق آید، برخی را توجیه کند و برای برخی مشکلات غیرقابل حل نیز راه تسلی مناسبی بیابد (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۷: ۶۶۹). رابطه‌ای تنگاتنگ میان شیوه دین‌ورزی با شرایط محیطی، جغرافیایی، اجتماعی و جنسیتی جوامع وجود دارد. بیان تجربه دینی می‌تواند در آن واحد، صورت‌های متفاوتی داشته باشد؛ بیانی آرمان‌وار، برای مثال باورها و اسطوره‌ها، بیانی عملی برای مثال کیش‌ها، جشن‌ها، اعمال جادویی و بیانی جامعه‌شناختی، برای مثال انواع پیوندهای اجتماعی درون سازمان دینی (ریویر، ۱۳۷۹: ۸۵). بیان عملی تجربه دینی، بیشترین رابطه را با مناسک دینی یا همان جنبه عینی دین‌ورزی دارد که به شکل عمل دینی و یا مناسک و با بهره‌گیری از فن‌ها و ابزار گوناگون تجربه می‌شود. آداب دین‌ورزی در گروه‌های جغرافیایی، اجتماعی و جنسیتی متفاوت است و تفاوت‌های بعضاً چشمگیری در آداب و مناسک و حتی باورهای پیروان یک دین خاص با منشأ یکسان مشاهده می‌شود. مسلک‌های صوفی‌گری، از جمله دو طریقت قادریه و نقشبندیه، به عنوان واقعیتی در جهان اسلام که نوع ویژه‌ای از دین‌ورزی را ترویج می‌کنند، پیروانی در ایران و به ویژه در مناطق کردنشین دارند. تصوف در شهر سقز در استان کردستان به عنوان مسلکی ذیل مذهب تسنن (شافعی) پیروانی دارد. از میان فرقه متعدد صوفیه، دو طریقت نقشبندیه و قادریه، بیش از سایر گرایش‌ها در مناطق کردنشین رواج یافته‌اند.

طریقه قادریه را شیخ عبدالقادر گیلانی (متوفی ۵۶۱ ه.ق) بنیاد گذارد (ادموندز، ۱۳۸۲: ۷۷) او در کردستان به نام غوث گیلانی مشهور است. دومین طریقت تصوف معروف در مناطق کردنشین، به ویژه شهر سقز، طریقت نقشبندیه است. خاستگاه تاریخی طریقت نقشبندی آسیای مرکزی است. این طریقت، نام خود را از بهاء‌الدین نقشبند بخاری (۱۳۸۹ - ۱۳۱۸) می‌گیرد اما او نه مبدع این طریقت و نه نخستین سازمان‌دهنده آن است، این طریقت در زمان وی وجود داشته است و نخستین بار احکام و قواعد آن را عبدالخالق غجدوانی بنا نهاده بود (وان برویین، ۱۳۷۹: ۳۷۳ - ۳۲۰). مروج طریقت نقشبندی در مناطق کردنشین عراق، ایران، ترکیه و سوریه مولانا خالد شاره زوری است (روحانی، ۱۳۸۵: ۲۴۵). با وجود قدمت طولانی مسلک تصوف در ایران و مناطق کردنشین، عمدتاً تصویری مردانه از این شیوه دین‌ورزی در دو طریقت نقشبندیه و قادریه ارائه شده است. در حالی که این مسلک‌ها، پیروانی در میان زنان نیز دارند. کم‌رنگ بودن مطالعات مربوط به زنان صوفی و درویش، انگیزه اصلی محقق برای انجام این پژوهش بود. آشنایی نسبی محقق با برخی پیروان زن این طریقت در شهر سقز عامل مهمی در انتخاب شهر سقز به عنوان مکان پژوهش بود. محقق در طول پژوهش‌های میدانی خود توانست در کلیه خانقاه‌ها و تکایا حضور یابد و با جلب اعتماد برخی بزرگان و ذی‌نفوذان این دو طریقت به مراسم و مناسک آنها راه یابد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی که در این مقاله بررسی می‌شود: کارکردهای این شیوه‌های دین‌ورزی صوفیانه برای اعضا جامعه مورد مطالعه چیست؟ پیش‌نیاز پاسخ به این پرسش، طرح پرسش‌های دیگر است:

- ۱) ویژگی‌های عمومی زنان پیرو این طریقت‌ها شامل از خواستگاه اجتماعی، سن، سطح سواد، وضعیت خانوادگی و اقتصادی و ... چیست؟
- ۲) زنان چه برنامه‌ها و مراسمی را در تکلیف‌های قادری و خانقاه‌های نقشبندی اجرا می‌کنند؟
- ۳) تفاوت‌ها و شباهت‌هایی اجرای مراسم در بین زنان این دو طریقت به چه صورت است؟
- ۴) آیا زنان جنبه‌های اختصاصی‌شده‌ای از مراسم صوفیانه دارند؟ در صورت وجود، چه مواردی را شامل می‌شود؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش‌های معمول در مطالعات انسان‌شناسی مانند مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای و روش‌های اسنادی استفاده شده است. از آنجا که پژوهشگر نباید به یک بار دیدن قناعت ورزد تا دلایل اعمال گروه‌ها و قبایل مشخص شود (عسگری خانقاه، ۱۳۷۵: ۲۱۶) طبیعی است محقق، در این پژوهش میدانی با استفاده از روش‌های فوق‌الذکر، بارها در زمان‌های مختلف، به میدان پژوهش مراجعه کرده است. محقق در طول یک سال و نیم اقامت (زمستان ۱۳۸۸ الی بهار ۱۳۹۰) در میدان پژوهش (شهر سقز واقع در استان کردستان)، از مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمقی استفاده کرده است.

پیشینه پژوهش

منابع کتابخانه‌ای مختلفی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه در مورد تصوف و دو طریقه قادریه و نقشبندیه وجود دارد. ویژگی عمده منابع موجود بررسی موضوع تصوف با نگاهی غیر انسان‌شناختی است. در معدود مطالعات دانشگاهی ایران نیز، محقق نتوانست به سابقه‌ای با موضوع تصوف و زنان دست یابد. با این وجود برخی مطالعات صورت‌گرفته تا حدودی مربوط به حوزه کاری این پژوهش هستند. بررسی تصوف (طریقت قادری و نقشبندی) در کردستان مورد مطالعه بانه؛ پایان‌نامه مقطع کارشناسی است که توسط رئوف سلیمی به راهنمایی حشمت‌الله طیبی در رشته مردم‌شناسی در سال ۱۳۵۴ دفاع شده است. محقق در ابتدا به تاریخچه مختصری از تصوف و به ویژه دو طریقت قادری و نقشبندی پرداخته و سپس با روش مردم‌نگاری، وضعیت زندگی مردم یکی از روستاهای بانه و همچنین ارتباط مردم آنجا

با شیوخ آن زمان را شرح داده است. *آداب خانقاه قادریه در کردستان*؛ پایان‌نامه علی علوی در مقطع کارشناسی ارشد الهیات سال ۱۳۶۸ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است. او با تأکید بر روی برخی آداب و اذکار خانقاه‌های استان کردستان، دلایل فقهی انجام چنین اعمالی را بررسی کرده و میزان هم‌خوانی و قرابت این فرقه را با نصوص دینی از جمله قرآن سنجیده است. کتاب *تاریخ تصوف در کردستان* نوشته محمد رئوف توکلی (۱۳۵۴) یکی دیگر از منابع تحقیقی در تاریخ تصوف در کردستان ایران و برخی نواحی کردنشین دیگر است. قسمتی از آن را به معرفی فرقه قادریه و نقش‌بندی و قلمرو نفوذ آنها و خاندان‌های مختلف پیرو آن در کردستان، شرح آداب درویشی، سلسله‌ها و آداب طریقه نقش‌بندی می‌پردازد. کتاب *تاریخ جامع تصوف کردستان* نوشته کمال روحانی (۱۳۸۵) به نقد و بررسی تاریخی طریقت نقش‌بندی و قادری در کردستان می‌پردازد. *شکل‌گرایی و بی‌شکلی در دین‌ورزی با مطالعه‌ای در دراویش قادری استان کرمانشاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهرداد عربستانی (۱۳۷۹)؛ پژوهشی میدانی در درویش قادری استان کرمانشاه است که با روش انسان‌شناسی و رویکرد شکل‌گرایی و بی‌شکلی صورت گرفته است.

تنها پژوهشی موجود درباره زنان و تصوف که نویسنده به آن دست یافت، مطالعه‌ای است که بر روی زنان رفاعیه در ترکیه انجام شده است. *مقام زن در تصوف ترکیه معاصر* (۲۰۰۸) عنوان تز دکترایی است که آنا نویبائور^۱ بر اساس یک کار میدانی بر روی رهبری معنوی پیروان زن طریقه رفاعیه در استانبول ترکیه انجام داده است. او بررسی کرده است که چگونه زنان می‌توانند از طریق مقام مذهبی به موقعیت موجودشان مشروعیت ببخشند.

چارچوب نظری

سه مفهوم به پیدایش کارکردگرایی یاری رساندند: نخست مفهوم سودمندی یا این پرسش که چه چیز به چه مصرفی می‌آید؟ دوم مفهوم علیت یا این پرسش که به چه دلایلی به چه نتایجی می‌رسیم؟ و سوم مفهوم نظام یا این پرسش که چگونه وابستگی متقابل میان عناصر در یک مجموعه منسجم و متوازن عمل می‌کند؟ (ریویر، ۱۳۷۹، ۷۷ - ۷۶). هاری آلپرت چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم این‌گونه بیان می‌کند: "دین برای نیروهای اجتماعی؛ ۱) انضباط‌بخش بود (ایجاد تقوا)، انسجام‌بخش بود (با مراسم)، ۳) حیات‌بخش (با انتقال ارزش‌ها) و ۴) خوشبختی‌بخش بود (با الهام به امید و آرامش)" (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۱۴۲). از جمله کارکردهای بنیادین دین، کمک به آرامش روانی افراد، به ویژه به هنگام روبه‌رو شدن با مشکلات روزمره در جامعه و یا در برخورد با مسائل لاینحل طبیعی است. دین با دادن پاسخ‌هایی به تجربه‌های درک‌ناپذیر انسان، اضطراب او را کاهش می‌دهد (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۷: ۷۰۱). دین بخش اعظمی از این کارکرد را با ابزار مناسک انجام می‌دهد. از نظر مالدینوفسکی باورهای دینی اکثراً واکنشی نسبت به مرگ افراد نزدیک بود، به عبارتی

^۱ Anna Neubauer

یکی از تلخ‌ترین تجربه‌های آدمی که نیاز به توضیح داشت (مختاریان، ۱۳۸۸). آیین‌های دینی استمرار و انسجام جامعه را موجب می‌شوند، زیرا به افراد این اعتماد را می‌دهند که جایگاهی در نظم کیهان به دست می‌آورند (همان). علاوه بر دورکیم و مالینوفسکی، اندیشمندان دیگری از جمله گوسن (۱۹۷۲) و آنتونی والاس (۱۹۶۶) بر تأثیر مناسک بر تقویت حس همبستگی تأکید داشته‌اند. مناسک دینی این فرصت را نیز برای برخی از جمله برگزارکنندگان ایجاد می‌کند تا از طریق آن بعضاً به منافع (کم یا زیاد) اقتصادی دست یابند. مناسک مذهبی غالباً مشخص‌کننده و یا محرک رویدادهایی‌اند که برای توفیق در تولید اقتصادی و توزیع اهمیت اساسی دارند (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۷: ۶۸۸).

تاریخچه تصوف در بین زنان

اطلاعات تاریخی روشنی درباره چگونگی و فرآیند وارد شدن زنان به حلقه تصوف وجود ندارد. برای زنان صوفی از نظر سلمی، تعبد از هر موضوع دیگری مهم‌تر است. گروهی از زنان هستند که باید به خاطر تعبدشان در زمره صوفیان قرار گیرند. راه معنوی بندگی، زنان صوفی را از محدودیت‌های جسمانی‌شان رها می‌کند. آنها به عنوان بندگان خدا می‌توانستند خود را از دیگر گروه‌های معمولی زنان جدا کنند که رسالت معنوی مشابهی ندارند. اینان با انتخاب زندگی مستقل به عنوان زنان شاغل در حیطة روحانیت می‌توانستند بدون همراهی ندیمه سفر کنند، در اجتماع با مردان ارتباط داشته باشند، در مجامع عمومی به مردان آموزش دهند و به رشد فکری برسند که برای خواهران غیرصوفی‌شان ناممکن بود (سلمی، ۱۳۸۵: ۱۴۹-۱۵). در میان زنان صوفی نام فاطمه نیشابوری درخششی خاص دارد، می‌گویند در عصر وی زنی چون او نبود. بایزید بسطامی و ذوالنون مصری او را ثنا گفته‌اند. بایزید درباره او گفت که در عمر خود یک مرد و یک زن دیدم، آن زن فاطمه نیشابوری بود و از هیچ مقام وی را خبر نکردم که آن خبر وی را عیان نبود. زن دیگری که احوال او به جهت نزدیکی دوره زندگی و نام، با فاطمه نیشابوری درهم آمیخته است، ام علی همسر احمد بن خضرویه است. ابو حفص گفته است که همیشه حدیث زنان را مکروه می‌داشتم تا آن وقت که ام علی، زوجه احمد خضرویه را دیدم، پس دانستم که حق سبحانه معرفت و شناخت خود را آنجا که می‌خواهد می‌نهد (جامی، ۱۳۷۵: ۶۲۲). بنا بر منابع موجود (به نقل از سلمی و نوربخش، جامی و صفی‌زاده) تعداد زنان مشهور صوفی در تاریخ اسلام در حدود ۱۰۰ نفر است.

سازمان طریقت نقشبندیه و قادریه

طریقت‌های نقشبندیه و قادریه همچون هر سازمان دیگری دارای عناوین، رتبه‌ها و سلسله‌مراتب هستند، این سلسله‌مراتب به ترتیب عبارت‌اند از: شیخ، خلیفه، سرداکر، مرید و مخلص. شیخ فرد زنده‌ای است که سلسله طریقت را از حضرت علی در طریقه قادریه و یا از

ابوبکر صدیق در طریقه نقشبندیه به واسطه مشایخ گذشته در دست دارد. او این منصب را از شیخ قبلی خود به دست می‌آورد. خلیفه جانشین شیخ است. شیخ حدود وظایف و اختیارات خلیفه را مشخص و ابلاغ می‌کند. هر تکیه یا خانقاه، علاوه بر داشتن خلیفه مرد، خلیفه زن نیز دارد. خلیفه، به انتخاب خود شخصی را که فعال‌تر و از نظر اجرای مراسم توانا تر باشد به عنوان سرذاکر انتخاب می‌کند. مرید در اصل به معنی ارادتمند است و در اینجا به کسی گفته می‌شود که نزد شیخ یا خلیفه، توبه کرده و رسماً به جمع درویش درآمده است. مخلص همان مرید است اما به دلیل سن کم‌تر توبه نکرده و یا به اصطلاح خودشان طریقت را به دست نیاورده است که مبادا دچار لغزش شود و مورد خشم اولیاء و شیخ قرار گیرد. مخلص به تکیه و خانقاه رفت‌وآمد می‌کند.

صرفاً مردان می‌توانند در هر دو طریقت قادریه و نقشبندیه به مقام شیخوخیت دست یابند. هر چند از دو دهه قبل، زنی به نام شیخ لیلا (یکی از خواهرزادگان شیخ عثمان سراج‌الدین نقشبندی، از بزرگان طریقت نقشبندیه) خود را از شیوخ نقشبندیه در سقز خوانده و مدت‌ها است که با ایجاد خانقاهی خانگی در این شهر، پیروانی برای خود دارد. اقدام شیخ لیلا با مخالفت عموم شیوخ قادریه و نقشبندیه مواجه شده است. هم‌چنین در سازمان طریقت نقشبندیه بخش مردان، رسته‌ای تحت نام خلیفه وجود ندارد. وظایف خلیفه را فردی با اسم سرختمه ایفا می‌کند. با این وجود سمت خلیفه در میان زنان پیرو نقشبندیه وجود دارد.

تکایا و خانقاه‌های شهر سقز

در شهرستان سقز، به هنگام انجام این پژوهش ۵ خانقاه^۱ نقشبندیه و ۵ تکیه^۲ قادریه فعال بود. در دو جدول زیر اسامی تکایا و خانقاه‌های موجود در شهر سقز به همراه سال تأسیسشان آمده است.

جدول ۱: اسامی تکایای قادریه شهر سقز

ردیف	نام تکیه	سال تأسیس	نام شیخ حاضر	نام خلیفه زن حاضر
۱	تکیه سید شیخ کاک احمد بابا شیخ‌زاده	۱۳۰۰	شیخ عبدالرحمان بابا شیخ‌زاده	خلیفه حبیبه (۷۵ ساله) و خلیفه عطیه (۵۰ ساله)
۲	تکیه حاج سید شیخ عبدالکریم کسنزانی ^۳	۱۳۴۱	شیخ محمد کسنزانی	خلیفه رعنا (۵۷ ساله)
۳	تکیه شیخ سلام‌الدین	۱۳۶۰	شیخ صنعان	خلیفه سهیلا (۶۴ ساله)

^۱ مکان مذهبی و محل برپایی مناسک دینی در طریقت نقشبندیه را خانقاه می‌گویند.

^۲ منزل درویشان و جایی که در آن درویش قادریه مشغول به ذکر می‌شوند را تکیه می‌گویند (موسایی و عزیزپانی‌فر، ۱۳۸۶).

^۳ Kasnazani

بررسی کارکردهای دین‌ورزی صوفیانه زنان پیرو دو طریقت قادریه و نقشبندیه در شهر سقز ۳۳

			سلامیه ^۱	
۴	تکیه شیخ حسن هاشمی سوله‌ای	۱۳۷۴	شیخ حسن	خلیفه شپول (۲۵ ساله)
۵	تکیه شیخ مختار هاشمی سوله‌ای	۱۳۷۵	شیخ مختار	خلیفه عایشه (۶۰ ساله)

جدول ۲: اسامی خانقاه‌های نقشبندیه شهر سقز

ردیف	نام خانقاه	سال تأسیس	نام شیخ حاضر	نام خلیفه زن حاضر
۱	خانقاه حاج شیخ مصطفی نقشبندی	۱۲۵۹	ندارد	خلیفه رحیمه نقشبندی (۳۰ ساله)
۲	خانقاه شیخ محمد بهاء‌الدین نقشبندی	۱۳۵۰	شیخ سوران	خلیفه آمنه (۷۳ ساله)، خلیفه شریفه (۶۰ ساله)
۳	خانقاه خانگی شیخ لیلا نقشبندی	۱۳۶۰	شیخ لیلا	ندارد
۴	خانقاه شیخ محمد علی حسام الدین نقشبندی	۱۳۶۸	شیخ صلاح‌الدین	خلیفه خاور (۵۶ ساله)
۵	خانقاه شیخ عثمان سراج الدین نقشبندی	-	-	خانقاه مردانه

زنان پیرو دو طریقت قادریه و نقشبندیه بیشتر مراسم خود را در همین خانقاه‌ها و تکایا انجام می‌دهند. در این اماکن سالنی مختص به زنان وجود دارد. عصر روزهای سه شنبه و جمعه (قبل از نماز عصر)، زمان برگزاری مراسم زنانه در خانقاه‌ها و تکایا است. مردان این دو طریقت شب‌های سه شنبه و جمعه (بعد از نماز مغرب) به برپایی مراسم مشغول‌اند. بیشتر تکایا و خانقاه‌های شهر سقز در مناطق مرکزی و بافت قدیمی شهر واقع هستند.

جامعه مورد پژوهش

آمار دقیقی از تعداد زنان پیرو دو طریقت نقشبندیه و قادریه در شهر سقز وجود ندارد. متولیان تکایا و خانقاه‌ها نیز از تعداد مریدان و مخلصان فعال در اماکن خود، آمارهای مختلفی ارائه دادند که عموماً با مشاهدات محقق در طول مراجعات مکررش به اماکن مذکور هم‌خوانی نداشت. محقق در ۲۸ بار مراجعه به اماکن مذهبی دو طریقت (هر طریقت ۱۴ بار و هر تکیه و خانقاه حداقل ۲ بار)، بیشینه و کمینه حاضران در مراسم ختمه زنان

^۱ Salameeh

(اصلی‌ترین مراسم طریقت) به شرح جدول زیر ثبت کرده است. بدیهی است ارقام این جدول را نباید به عنوان آمار پیروان زن این دو طریقت قلمداد کرد. هم‌چنین ذکر این نکته ضروری است که به جز خلیفه و سرداگر، امکان تمیز دادن مخلص‌ها و مریدان (و نیز افراد عادی که گاه به عنوان میهمان یکی از پیروان در مراسم حضور داشتند) وجود ندارد.

جدول ۳: برآورد احتمالی تعداد مراجعه‌کنندگان به تکایا و خانقاه‌های شهر سقز

مکان مذهبی	بیشینه	کمینه
تکایای قادریه	۸۵	۳۵
خانقاه‌های نقشبندیه	۶۰	۲۸

منبع: پژوهش میدانی بیان علایی حسینی

محقق از میان کسانی که حضوری فعال در مراسم داشتند (مخلص‌ها و مریدها)، بر اساس نمونه‌گیری تصادفی با ۲۳ نفر مصاحبه عمقی داشت. توقف مصاحبه‌ها به دلیل ارائه پاسخ‌های مشابه بود. مصاحبه‌ها پس از پیاده شدن، از حیث موضوعی هم‌راستا با پرسش‌های تحقیق، دسته‌بندی شدند. از این تعداد، ۲ نفر ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲ نفر ۳۰ تا ۴۰ سال، ۵ نفر ۴۰ تا ۵۰ سال و مابقی (۱۴ نفر) بالای ۵۰ سال سن داشتند. از میان مصاحبه‌شوندگان، ۲ نفر شاغل (یکی بهیار و دیگری معلم دوره ابتدایی)، ۲ نفر بازنشسته و مابقی خانه‌دار بودند. هم‌چنین سطح درآمد خانوار (اعلام‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان) به این شرح است: ۸ نفر زیر ۵۰۰ هزار تومان، ۱۰ نفر مابین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان و ۳ نفر تا ۲ میلیون و ۱ نفر بالای دو میلیون تومان. ۱۶ نفر همسرانشان فوت کرده بودند. ۵ نفر از آنان یکی از عزیزان خود را (فرزند)، در چند سال اخیر از دست داده بودند و ۲ نفر نیز مطلقه بودند (اسامی خلیفه‌ها در این تحقیق واقعی است، اما اسامی مریدان و مخلص‌ها با هدف حفظ هویت اشخاص، به صورت مستعار آورده شده‌اند).

مراسم اجراشده در تکایا خانقاه‌ها

عمده مراسمی که زنان پیروان دو طریقت قادریه و نقشبندیه انجام می‌دهند، در ۵ مورد زیر خلاصه می‌شود: (۱) برگزاری مراسم ختمه^۱، (۲) برگزاری مراسم مولودی‌خوانی، (۳) برپایی سفره نذری حضرت عباس (ع)، (۴) برگزاری سفرهای زیارتی و (۵) برگزاری مراسم ختم برای متوفیان. برپایی سفره نذری حضرت عباس (ع) صرفاً مختص به زنان است و در میان مردان پیرو این دو طریقت مرسوم نیست.

^۱ khatmeh

مراسم ختمه

ختمه، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مراسم دراویش قادریه و نقشبندیه است. این برنامه برای زنان در روزهای سه شنبه و جمعه و در یک تا دو ساعت برگزار می‌شود. مراسم، نیم ساعته قبل از نماز عصر آغاز می‌شود؛ اما اگر این دو روز هم‌زمان با عید فطر یا عید قربان و یا حتی سیزده‌بدر باشد، مراسمی در تکیه یا خانقاه زنانه برپا نمی‌شود. اولین قسمت از برنامه ختمه زنان در هر دو طریقت قادریه و نقشبندیه مشابه است. این بخش که به نوعی غیررسمی است، به مدیحه‌سرایی اختصاص دارد. ابتدا زنان دور خلیفه دایره‌وار می‌نشینند. سپس برخی از زنان که الزاماً سرداگر نیستند اما جزو حلقه اول و فعالین تکیه به شمار می‌روند، به ترتیب اشعاری به شکل آواز (بدون موسیقی)، در مدح پیامبر و شیوخ طریقت می‌خوانند. اگر صدای مدیحه‌سرا مورد پسند حضار بود، با تحسین‌های مکرر و بیان عباراتی نظیر ”خدا از گناهانت بگذرد.“ و ... او را به ادامه مدیحه‌سرایی ترغیب می‌کنند. مدیحه‌سرایی‌ها زمان نماز ادامه می‌یابد. دف و طبل در میان پیروان طریقت قادریه اعم از مردان و زنان رواج دارد. پیروان قادریه از این دو ابزار موسیقی هم در مرحله مدیحه‌سرایی و هم در مرحله ذکر قیام استفاده می‌کنند. استفاده از ابزار موسیقی در مراسم ختمه مردان طریقت نقشبندیه مرسوم نیست. با این وجود زنان طریقت نقشبندیه از ادوات موسیقی به هنگام مدیحه‌سرایی بهره می‌برند. خلیفه رحیمه، خلیفه خانقاه تکیه حاج شیخ مصطفی نقشبندیه در این باره می‌گوید:

”خیلی از شیوخ طریقت نقشبندیه، استفاده از دف و طبل را حرام می‌دانند، اما از زمان پدرم یعنی حدود ۳۰ سال قبل، به تدریج استفاده از ابزار موسیقی در میان زنان پیرو نقشبندیه در سقز مرسوم شده است.“

با این حال شیخ لیلا نظر دیگری دارد. او می‌گوید:

”استفاده از ادوات موسیقی اصلاً حرام نیست. مگر در دوران پیامبر، مسلمانان به هنگام استقبال از حضرت محمد و یا به هنگام پیروزی در جنگ‌ها از دف و طبل استفاده نمی‌کردند؟ اینکه برخی شیوخ استفاده از دف و طبل را گناه می‌دانند اصلاً درست نیست“

”دف و طبل به مراسم ختمه یک شور خاصی می‌دهد و در جذب مردم خیلی مهم است. زمانی که من جوان بودم در مراسم ختمه، اجازه نمی‌دادند که دف و طبل بزنیم. در آن سال‌ها همیشه مراسم ختمه در طریقت قادریه شلوغ‌تر بود؛ اما به لطف خداوند، اکنون سال‌ها است که ما نیز دف و طبل داریم و مراسم ما هم شلوغ است“ (مریم، مرید طریقت نقشبندیه، ۵۷ ساله)

بعد از خواندن نماز عصر به جماعت، نوبت به اجرای مراسم ذکر می‌رسد. مراسم ذکر در دو طریقت تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد. ذکر در تکایای قادری بر دو نوع است: ذکر تهلیل یا ذکر نشسته و ذکر قیام یا ذکر هره^۱ یا ذکر ایستاده.

عکس ۱: تکیه شیخ حسن هاشمی، خلیفه در حال ادای ذکر تهلیل در حلقه درویش



منبع: بیان علایی حسینی، سقز، بهار ۱۳۹۰

ذکر در مراسم ختمه در میان خانقاه‌های نقشبندی در دو بخش کلی اجرا می‌شود: ذکر خفی و ذکر جلی. ذکر خفی، تکرار اذکار در ذهن، بدون بر زبان آوردن آن است؛ اما در ذکر جلی، اذکار بر زبان جاری می‌شود طوری که دیگران می‌توانند آن را بشنوند. ذکر خفی و جلی هر دو در حالت نشسته برگزار می‌شود.

برپایی مراسم مولودی خوانی

مولودی خوانی مراسمی است که به مناسبت تولد پیامبر اسلام و به شکل جشن اجرا می‌شود. ماه ربیع‌الاول در مناطق کردنشین به ماه مولود معروف است. برخی حجاج نیز که درویش و یا مخلص هستند پس از بازگشت از حج، مراسم مولودی خوانی برگزار می‌کنند. موارد فوق‌الذکر، در میان زنان و مردان هر دو طریقت صادق است؛ اما زنان این دو طریقت مراسم مولودی خوانی را به مناسبت‌های دیگری نیز برگزار می‌کنند. عمده‌ترین دلیل برپایی مولودی خوانی در خارج از دو مورد فوق‌الذکر، زمانی است که یکی از زنان پیرو طریقت، نذری ادا شده داشته باشد. در این حالت فرد مذکور در اولین فرصت مراتب را به اطلاع

^۱ haraeh

خلیفه می‌رساند. خلیفه نیز به مریدان خود خیر می‌دهد که فلان روز مولودی‌خوانی برپا می‌شود و هر کسی که دوست دارد می‌تواند در آن شرکت کند. مراسم یا در تکیه و خانقاه و یا در منزل شخص برگزار می‌شود. مدیحه‌سرایی، اصلی‌ترین برنامه در مراسم مولودی‌خوانی است که در میان زنان نقشبندیه، همچون زنان قادریه همراه با دف و طبل است. همچنین زنان اگر یکی از نزدیکانشان در شهر دیگری فوت کند مجلس ترحیمی را برای او در تکیه یا خانقاه برگزار می‌کنند.

سفره نذری حضرت عباس (ع)

سفره حضرت عباس (ع) از جمله برنامه‌هایی است که گاه در تکایا یا خانقاه‌های زنان شهر سقز برپا می‌شود. سابقه برپایی این مراسم در منطقه سقز به کمتر از ۴ یا ۵ سال می‌رسد و صرفاً مختص زنان است. کسانی این سفره را برپا می‌کنند که نذری دارند و یا نذرشان ادا شده است. سفره نذری را معمولاً در روزهایی غیر از سه شنبه و جمعه و در تکیه و خانقاه برپا می‌کنند. غذای نذری، متبرک است و تناول از آن بر همه کسانی که پای سفره هستند واجب است و بسیاری تلاش می‌کنند از ته‌مانده خوردنی‌ها بخشی را برای خانواده، نزدیکان و دوستان ببرند. سفره نذری امکانی است برای آنانی که هنوز دعای مستجاب‌نشده دارند. این افراد گوشه‌ای از سفره را به دست می‌گیرند، دعا می‌خوانند و نذر می‌کنند که اگر نیازشان اجابت شود سفره حضرت عباس (ع) بیاندازند. در آخر سفره را روی سر کسانی می‌تکانند که نذری داشته باشند.

زنان هر دو طریقت قادریه و نقشبندیه هر از چندگاهی با هدف زیارت قبور شیوخ و بزرگان طریقت خود به سفرهای دسته‌جمعی می‌روند. زنان به تنهایی و بدون همراه داشتن همسران و یا فرزندان ذکورشان به مسافرت‌های زیارتی می‌روند. زینب خانم زنی ۶۳ ساله است که کمتر از ۱۰ سال پیش به همراه همسر و فرزندان از یکی از روستاهای اطراف به سقز مهاجرت کرده است. او که سواد خواندن و نوشتن ندارد از اینکه طریقت امکان سفر را برایش فراهم می‌کند بسیار خرسند است.

”برادرم سال‌ها است که درویش است؛ اما من خودم تا همین چند سال پیش به تکیه نمی‌رفتم. از اینکه الان به تکیه رفت‌وآمد دارم خیلی خوشحالم. اینجا هم می‌شود نماز خواند و مناجات کرد و هم با افراد زیادی آشنا شد. از همه مهم‌تر من می‌توانم به همراه دوستانم در تکیه سالی حداقل دو بار برویم زیارت. سال‌ها بود که دوست داشتم قبر ویس‌القرنی را زیارت کنم؛ اما کسی نبود که با او بروم. تنهایی هم که من نمی‌توانم. خدا را شکر الان می‌توانم بروم و خانواده‌ام نیز خیالشان راحت است و اگر سفرم ۴ روز هم طول بکشد نگران نمی‌شوند“.

تحلیل کارکردی گرویدن زنان به طریقت

از دیدگاه پیروان این دو طریقت، گرویدن به تصوف و رفت‌وآمد به تکایا و خانقاه‌ها، صرفاً به دلیل تقدس این اماکن و صدق راهی است که این طریقت‌ها پیش پای مؤمنین می‌گذارند. از دیدگاه این افراد، کارکرد طریقت، صرفاً کم کردن راه رسیدن به خدا و فرصتی است تا از طریقتی درست به عبادت پروردگار پرداخت. بررسی ژرفانگرانه بر مناسک و فعالیت‌های این گروه‌ها نشان می‌دهد که این دو طریقت، علاوه بر کمک به پیروانشان در کسب تجربه‌ای متفاوت از دین‌ورزی، کارکردهایی روانی، اجتماعی و اقتصادی نیز دارند.

کارکرد روانی دین‌ورزی تصوف

افرادی که به تکایا و خانقاه‌ها رفت‌وآمد دارند، این اماکن را فضایی ایمن، مقدس و معتبر برای ادای فرایض دینی و برقراری ارتباطی بهتر با خدای خود می‌دانند. هم‌چنین این محیط امکان برقراری ارتباط میان افرادی با مشکلات مشترک را فراهم می‌کند. طی بررسی‌های انجام‌شده در این تحقیق، بخش اعظمی از درویش و صوفیان زن با مشکلات بسیاری در زندگی شخصی خود مواجه‌اند مانند مرگ همسر، مرگ فرزند، جدایی از همسر، کهولت سنی، جدایی از فرزندان به دلیل ازدواج یا مهاجرت، مشکلات اقتصادی در خانواده و موارد دیگر. حضور در تکایا و خانقاه‌ها، به عنوان یک مکان مذهبی و شرکت در مراسمی که حداقل هفته‌ای دو بار برگزار می‌شود، فرصت مناسبی است که فرد را برای ساعاتی از این مسائل رهایی بخشد. فرد این امکان را می‌یابد تا در حاشیه حضور در مراسم مذهبی، با هم‌کیشان خود درد دل کند و گاه از آنانی که تجربه مشترک دارند، مشورت و راهنمایی بخواهد. درویش و صوفیان هم‌زمان با مشارکت در مراسم مذهبی، امکان تخلیه ناراحتی‌های درونی و روحی خود را نیز می‌یابند. در طول تحقیق و در نتیجه مشاهدات مستقیم، محقق به وجود رابطه‌ای معنادار میان شدت گریه‌های افراد حین مدیحه‌سرایی و ذکر، با تعداد مشکلات شخصی آنها پی برد. به این مفهوم که در جریان اجرای مدیحه‌سرایی‌ها شدت گریه افرادی بیشتر بود که با فاصله زمانی اندکی مشکلی جدی (نظیر مرگ فرزند) برایشان به وجود آمده بود.

فراست خانم زنی ۶۲ ساله، با سواد ابتدایی و وضعیت مالی بسیار خوب ۴ فرزند داشت که پسر بزرگ خود را در سال ۸۸ در سانحه تصادف از دست داده بود. وی در هنگام مدیحه‌سرایی‌ها به شدت گریه می‌کرد و می‌گفت:

”به شیخ و مشایخ همیشه ارادت داشتم، قبلاً نیز گاه‌گاهی به تکیه می‌آمدم ولی بعد از فوت پسرم بیشتر وقت‌ها سعی می‌کنم به اینجا بیایم. با شرکت در مجالس ختمه احساس می‌کنم صبرم بیشتر می‌شود“

بررسی کارکردهای دین‌ورزی صوفیانه زنان پیرو دو طریقت قادریه و نقشبندیه در شهر سقز ۳۹

عایشه خانم زنی ۶۸ ساله، بی‌سواد، دارای وضعیت مالی متوسط به پایین، ۶ فرزند داشت که یکی از دخترانش را حدود ۱۰ سال پیش بر اثر بیماری از دست داده بود. گریه کردن او هنگام مدیحه‌سرایی به نسبت کمتر بود.

”شوهرم مرید شیخ هادی پدر شیخ حسن بوده، من نیز همیشه به شیخ هادی ارادت داشتم. بعد از مرگ دخترم بسیار غمگین بودم ولی از وقتی که به این جای مقدس و متبرک رفت‌وآمد می‌کنم بسیار بهتر شده‌ام“

عکس ۲: یکی از درویش در حال مدد گرفتن از پرچم (بیاخ^۱)، تکیه کاک احمد بابا شیخ زاده، سقز



منبع: بیان علایی حسینی، ۱۳۸۹

کارکرد اجتماعی دین‌ورزی صوفیانه زنان

مراسم این دو طریقت فرصتی برای زنان ایجاد می‌کند تا از اخبار و احوال یکدیگر مطلع شوند. در حاشیه مراسم تکایا و خانقاه‌های زنان بسیار مشاهده می‌شود که افراد در حال خبردهی و خبرگیری از احوال خود و دیگر افراد و تلاش برای سهیم کردن خود و دیگران در غم‌ها و شادی‌ها هستند. اگر اتفاق خوشایندی برای یکی از زنان رخ دهد، او حتماً باید شیرینی و نقل پخش کند و اگر یکی عزادار شود، حتماً مراسم ویژه‌ای به یاد آن مرحوم و به نام او در تکیه یا خانقاه گرفته می‌شود. برگزاری این مراسم، جدا از حضور فعال همه

^۱ bayakh

هم‌گروهی‌ها در مراسم ختم متوفی است. پژوهشگر در طول تحقیقات، با چند مورد از این برنامه‌ها برخورد کرده است. این رویدادها، به ویژه عزا، فرصتی است برای خلیفه، سرداگر و دیگر دراویش زن که دوستی و همبستگی خود با هم‌گروهشان را ثابت کنند و هر آنچه در توان دارند برای فرد عزادار انجام دهند. از جمله آنکه اگر متوفی از نزدیکان درویش باشد، علاوه بر برگزاری مراسم ختمه به احترام درویش در تکیه یا خانقاه، در منزل متوفی نیز مراسم ذکر برگزار خواهد شد.

دراویش شادی‌های خود را با دیگران قسمت می‌کنند. اگر یکی از دراویش و یا فرزندانش ازدواج کند، بچه‌دار شود یا یک اتفاق خوب مثلاً قبولی در دانشگاه و یا استخدام در اداره‌ای برایش روی دهد، آن فرد در اولین مراسم ختمه مقداری نقل و شکلات به تکیه یا خانقاه می‌آورد. این تنقلات معمولاً پس از مراسم مدیحه‌سرایی و نماز جماعت پخش می‌شود. البته پیش‌تر، خلیفه و سرداگر در جریان امر قرار می‌گیرند. نکته مهم آنکه حتماً قبل از پخش، کل بسته نزد خلیفه برده می‌شود تا با برداشتن وی از آنها بسته تبرک یابد و امکان توزیع در میان جمع مهیا شود. خلیفه یا سرداگر به هنگام پخش تنقلات خبر خوش را اعلام می‌کند. مثلاً می‌گویند این را معصومه خانم آورده چون دخترش بچه‌دار شده است. خوردن از این تنقلات، واجب است. چرا که آن نقل از طرف کسی پخش می‌شود که نذرش ادا شده است، تو نیز می‌توانی خواسته و نذرت را در دل بگویی به امید آنکه نذر تو نیز قبول شود.

ایجاد فرصت‌هایی ناب برای نقش‌آفرینی در گروه از دیگر کارکردهای اجتماعی حضور در تکایا و خانقاه‌ها است. عموم زنان پیرو طریقت، به دلایل مختلف مانند قواعد اخلاقی و فضای حاکم بر روابط خانوادگی، امکان فعالیت در اجتماع، اشتغال در بیرون منزل و یا حضور در گروه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه را ندارند. محیط خانوادگی، فضای فرهنگی و ساختار طبقات محدودیت‌هایی را برای آنها ایجاد می‌کند مثلاً زنان نمی‌توانند به تنهایی و یا با دوستان مونث خود به مسافرت بروند یا حتی در مهمانی‌های دوستانه شرکت کنند. زنان پیرو طریقت، به آسانی و بدون هیچ محدودیتی حداقل دو بار در هفته به تکیه یا خانقاه می‌روند، بدون همراهی همسر در مهمانی‌های دوره‌ای با حضور دیگر هم‌کیشانان شرکت می‌کنند؛ مهمانی‌هایی که گاه تا پاسی از شب طول می‌کشد. این زنان همچنین سالی چند مرتبه در قالب مسافرت‌های زیارتی، بدون همراهی همسرانشان سفرهایی چند روزه می‌روند. برخی از زنان این موقعیت را می‌یابند که شایستگی‌ها و توانمندی‌های خود را مثلاً در رهبری، خوش‌لحنی و ... در جمع نشان دهند و به موقعیت‌های مهمی در یک گروه اجتماعی دست یابند؛ خلیفه شوند، سرداگر شوند و یا مدیحه‌سرایی کنند. خدیجه زنی ۶۵ ساله، بی‌سواد، تحت سرپرستی کمیته امداد و دارای یک پسر بیکار است (پسرش مخالف رفتن مادر به تکیه است و تصوف را بدعت می‌داند) که تنها زندگی می‌کند، وی یکی از مریدان فرقه قادریه است.

”مدتی پیش مرخص شده بودم اگر به این تکیه رفت‌وآمد نمی‌کردم کسی از احوال من خبری نداشت. یک روز همه افراد تکیه برای احوال‌پرسی من به خانه‌ام آمدند. شیوخ بسیار مقدس هستند. ما که در آنجا فقط ذکر می‌گوییم“.

عکس ۳: زنان در حال گفتگوهای دوستانه در حاشیه مراسم، خانقاه شیخ محمد بهاء‌الدین نقشبندی



منبع: مریم بیان علایی حسینی، بهار ۱۳۹۰

رعنا، ۵۷ ساله، خلیفه تکیه کسنزانی یکی از شاخه‌های فرقه قادریه است که در حد ابتدایی سواد دارد. وی در مورد مسافرت‌هایی که با اعضای تکیه به منزل شیخ در کردستان عراق رفته بودند می‌گوید:

”به تمام مریدان تکیه گفتیم که هر کسی پاسپورت دارد می‌تواند در این مسافرت شرکت کند به همراه مریدان مرد تکیه اتوبوسی را اجاره کردیم و به زیارت شیخ رفتیم. چند روزی در منزل و تکیه شیخ بودیم، بسیار خوش گذشت. یک روز برای ما دلمه درست کردند و یک بز را نیز سر بریده و گوشت آن را در کنار غذا گذاشته بودند که بسیار خوشمزه بود“

کارکرد اقتصادی مراسم صوفیانه زنان شهر سقز

کارکرد اقتصادی از جمله کارکردهای برگزاری مراسم در تکایا و خانقاه‌ها است. هر بار پس از پایان مراسم، بساط فروش برخی اجناس زنانه که عمدتاً پارچه و روسری است در داخل تکیه یا خانقاه برپا می‌شود. فروشندگان عمدتاً از دراویش همان تکیه یا خانقاه هستند که وضع مالی پایین‌تری نسبت به بقیه دارند. برای آنکه فردی بتواند در داخل تکیه یا خانقاه، بساط پهن کند، نیازمند اخذ مجوز از خلیفه است. البته خلیفه این مجوز را به هر کسی نمی‌دهد و

مرید طریقت بودن از شروط آن است. فرشته خانم زنی ۴۷ ساله از جمله کسانی است که در تکیه شیخ سلامیه پس از پایان مراسم بساط فروش البسه پهن می‌کند. او می‌گوید:

”۶ سال است که همسرم را از دست داده‌ام. الان تحت سرپرستی کمیته امداد هستیم. خلیفه سهیلا به من خیلی لطف دارد. او اجازه می‌دهد در پایان هر مراسم روسری اینجا بیاورم و بفروشم. روسری‌ها را یکی از فامیل‌هایمان که در بازار مغازه دارد به من امانت می‌دهد. هر بار حدود ۵ تا ۱۰ هزار تومان سود می‌کنم. اگر اینها نبود من نمی‌توانستم خرج زندگی خودم و ۲ فرزندم را تأمین کنم. البته من هم برای خدمت به تکیه کم نمی‌گذارم، در مراسم و تمییز کردن تکیه کمک می‌کنم.“

خلیفه برای دعاها یا راهنمایی‌هایی که به افراد می‌دهد وجوه نقدی نیز دریافت می‌کند. شرافت ۵۵ ساله، باسواد در حد ابتدایی، یکی از مریدان تکیه حاج شیخ مصطفی نقشبندی است

”برای یکی از دوستانم مشکلی پیش آمده بود او را به نزد خلیفه رحیمه که دختر شیخ نیز است آوردم و برای رفع شدن مشکلتش به او دعا داد، بعد از مدتی مشکلتش برطرف شد و پولی را برای خلیفه رحیمه به عنوان هدیه آورد و خلیفه آن را به زور قبول کرد و من زیر تشک خلیفه گذاشتم.“

یکی دیگر از کارکردهای اقتصادی به واسطه برگزاری مولودی‌خوانی یا مجلس ختم برای مردگان در تکایا و خانقاه‌ها است، شخص برگزارکننده اگر فردی به غیر از اعضا باشد، کادو و یا پولی را به خلیفه، مداحان و دف‌نوازان می‌دهد.

تفاوت‌ها و شباهت‌های اختصاصی پیروان زن دو طریقت نقشبندیه و قادریه

میان مناسک دو گروه زنان طریقت نقشبندیه و قادریه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد. از جمله شباهت‌های مناسک این دو گروه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) کاربرد تکایا و خانقاه‌ها کاملاً مشابه هم است و هر دو گروه مراسمی مشابه و حتی هم‌نام در اماکن مذهبی خود انجام می‌دهند.

(۲) هر دو گروه زنان قادری و نقشبندی تا حدود زیادی خاستگاه مشابهی از حیث طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات و پایگاه اقتصادی دارند.

(۳) اگر از شال‌های اختصاصی هر تکیه و خانقاهی صرف‌نظر کنیم، باقی پوشش زنان در هر دو گروه مشابه است. شال‌ها نیز صرفاً کاربردی درون‌گروهی دارد و فقط در برخی مراسم استفاده می‌شود بنا بر این هیچ یک از زنان پیرو طریقت دو گروه، در سطح جامعه

قابل تمییز دادن از دیگر زنان غیر پیرو نیستند. این مسئله از آنجا اهمیت دارد که مردان طریقت قادریه را بعضاً با گیسوان بلندشان، می‌توان از دیگر مردان در سطح جامعه تشخیص داد.

۴) دراویش و صوفیان زن به عکس مردان هیچ کدام امکان استفاده از پیشوند درویش یا صوفی در ابتدای نام خود را ندارند. مثلاً یک درویش یا صوفی مرد را در سطح جامعه به نام درویش علی یا صوفی علی می‌شناسند و صدا می‌زنند؛ اما درویش زنی که نامش مثلاً خدیجه باشد، در سطح جامعه او را به عنوان درویش خدیجه صدا نمی‌زنند. این مسئله در مورد خلیفه‌ها و شیوخ زن صدق نمی‌کند.

تفاوت‌هایی نیز میان دو گروه زنان در طریقت نقشبندیه و قادریه وجود دارد.

۱) نام و شیوه ذکر در دو طریقت متفاوت است. قادری‌ها ذکر تهلیل و ذکر قیام و نقشبندی‌ها ذکر خفی و ذکر جلی دارند. نقشبندی به عکس قادری به هنگام ذکر، جز در مواردی خاص که در بخش مربوطه به آن اشاره شد، به شکل ایستاده ذکر و سماع ندارند. کلیه اذکار قادری با صدای بلند خوانده می‌شود، در حالی که نقشبندی، در ذکر خفی، اذکار را در ذهن تکرار می‌کنند.

۲) از جمله ویژگی‌های ذکر میان پیروان نقشبندیه، استفاده از "سنگ‌ریزه" در مراسم ذکر است. در همه خانقاه‌های زنان نقشبندیه، کیسه‌ای با ۱۰۰ سنگ‌ریزه وجود دارد. به هر یک از افراد قبل از شروع مراسم ذکر، یک عدد سنگ‌ریزه می‌دهند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز شرح داده شد، در ذکر خفی، خلیفه برای یک‌بار ذکر (مثلاً لا اله الا الله) را با صدای بلند می‌خواند و پس از آن افراد باید این ذکر را مثلاً ۵ بار زیر لب و بدون صدا در ذهن تکرار کنند. این امر ممکن است ناهماهنگی‌هایی را در گفتن اذکار ایجاد کند، مثلاً افرادی از بقیه جا بمانند و یا بعضی جلو بیافتند. سنگ‌ها اینجا نقش هماهنگ‌کننده را دارند. افراد به هنگام ذکر خفی، به ازای هر یک ذکر که می‌گویند، سنگ را از دستی به دست دیگر می‌گذارند و تلاش می‌کنند حرکت دست‌های خود را با حرکت دست‌های خلیفه (و به عبارتی ذکر خفی خود را با ذکر خفی خلیفه) هماهنگ کنند. البته صوفیان نقشبندی، خود تفسیر دیگری از این ماجرا دارند. آنان معتقدند این سنگ‌ها که پیش‌تر توسط شیخ یا خلیفه تبرک شده‌اند، در جهان آخرت و در صحرای محشر شهادت خواهند داد که فرد در این دنیا به ذکر مشغول بوده است؛ و تعداد اذکار او را نزد خدا شمارش خواهند کرد.

۳) پیروان فرقه نقشبندی امروزه اقدام به تیغ‌زنی یا خوردن اشیاء نمی‌کنند، اما این امر در میان فرقه قادری و همچنین زنان پیرو این فرقه مرسوم است و در برخی اوقات این اعمال را انجام می‌دهند، هر چند امروزه این کار در بین زنان پیرو طریقت قادریه نیز کمتر اتفاق می‌افتد و به قول خودشان مگر غریبه‌ای در بین آنان باشد و بخواهند برای اثبات حقانیت بودنشان آن را به وی نشان دهند.

مطالعه ژرفانگانه بر روی زنان پیرو دو طریقت نشان می‌دهد که کارکردهای گرویدن به طریقت برای هر دو گروه زنان پیرو نقشبندیه و قادریه مشابهت‌های بسیار دارد. زنان پیرو

توانسته‌اند با انجام برخی تغییرات هر چند جزئی در مناسک و مراسم، کارکردهایی جدیدی برای خود متفاوت از گروه مردان بیافریند که بی‌شک در تداوم حیات این طریقت در میان زنان شهر سقز مؤثر بوده است. از جمله جنبه‌های اختصاصی گروه زنان پیرو طریقت در مقایسه با مردان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) با وجود آنکه در طریقت نقشبندی، استفاده از ابزار موسیقی نظیر دف و طبل نهی شده است، اما این ابزارها در تمام خانقاه‌های زنان نقشبندی شهر سقز و در مراسم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

(۲) برپایی سفره نذری حضرت عباس (ع) نیز از نوآوری‌های گروه زنان در تکایا و خانقاه‌های سقز است که نمونه مشابهی در میان مردان ندارد. سفره نذری حضرت عباس (ع) تا اواسط دهه ۸۰ در هیچ یک از تکایا و خانقاه‌های این شهر مرسوم نبوده است.

(۳) از دیگر تفاوت‌های گروه مردان و زنان پیرو طریقت، برپایی بساط فروش منسوجات در حاشیه مراسم ختمه است؛ امری که در مراسم مردانه دو طریقت مرسوم نیست.

نتیجه‌گیری

تصوف، نوعی روش دین‌ورزی است که بنا بر تعریف ریویر، باید آن را بیان عملی تجربه دینی دانست. تصوف در میان گروهی از زنان در شهر سقز رواج دارد. این زنان در قالب دو طریقت نقشبندی و قادریه تقسیم‌بندی می‌شوند که طریقت‌های مرسوم در شهر سقز هستند. این اماکن در عمده روزهای سال به عناوین مختلف، محل رفت‌وآمد زنان پیرو طریقت هستند. مراسم ختمه از جمله مهم‌ترین و متداول‌ترین مراسمی است که روزهای سه شنبه و جمعه هر هفته در تکایا و خانقاه‌های سقز برگزار می‌شود. هم‌اکنون بیشتر زنانی که در قالب مخلص و مرید به تکایا و خانقاه‌ها رفت‌وآمد می‌کنند از گروه سنی بزرگسالان هستند و عمدتاً در بخش جنوبی و حاشیه‌های شهر سکونت دارند؛ کسانی که از نظر تحصیلات و وضعیت اقتصادی عمدتاً در سطح پایینی قرار دارند.

دراویش و صوفیان زن به مدد تکیه و خانقاه می‌توانند از برخی محدودیت‌های اجتماعی حاکم بر خواستگاه فرهنگی خود عبور کنند، مثلاً بدون همراهی همسرانشان به مسافرت‌های برون‌شهری چند روزه بروند. این کارکرد در گذشته نیز وجود داشته است.

رفت‌وآمد به تکیه و خانقاه فرصتی ناب برای ارتباطی بهتر و باواسطه‌ای مطمئن‌تر با خدا را (از طریق شیخ یا خلیفه) برای افراد فراهم می‌کند. از دیگر سو هم‌صحبتی با گروهی زنان همفکر و عمدتاً هم‌طبقه، این امکان را به زنان می‌دهد که علاوه بر پر کردن اوقات فراغت و تنهایی خود (ناشی از مرگ همسر، طلاق، مهاجرت فرزندان به شهرهای دیگر و ...) در این جمع‌ها، به راحتی کسانی با شرایط روحی مشابه بیابند و برای یکدیگر سنگ صبور باشند.

طریقت تصوف هرچند در پاسخ به خواست و نیاز دینی افراد پدید آمده اما بی‌شک در مسیر رشد و گسترش خود، کارکردهای دیگری را نیز ایجاد کرده است. نوآوری‌هایی که توسط زنان پیرو طریقت در سقز انجام شده است، نشان‌دهنده این مهم است که آنان توانسته‌اند برای پاسخ‌گویی به نیازهایشان، تجربه‌های اختصاصی از این شیوه دین‌ورزی را کسب کنند. به نظر می‌رسد که پیروان طریقت و به ویژه متولیان تکایا و خانقاه‌های زنان سقز، تلاش دارند با ایجاد جذابیت‌های جدید از طریق نوآوری یا اقتباس از دیگر فرق، روند کاهش استقبال از طریقت را در میان زنان متوقف کنند. واقعیت آنکه فرآیند شهری شدن اکثریت پیروان طریقت و تغییرات فرهنگ عمومی سبب کاهش روزافزون گرایش نسل جدید به طریقت شده است. بدیهی است در چنین وضعیتی رهبران طریقت نگران‌اند که رواج فرهنگ خاص شهرنشینی، ارتقاء متوسط سطح تحصیلات و افزایش رفاه اجتماعی، مراسم و برنامه‌های تکایا و خانقاه‌ها نتواند زنان و دختران جوان را آن گونه که باید جذب کند. نگاه تسامحی به برخی نوآوری‌های انجام‌شده در گروه زنان را می‌توان در راستای تلاش رهبران طریقت برای حفظ حداکثری پیروان موجود و جذب پیروان جدید دانست.

منابع

- ادموندز، سیسل جی (۱۳۸۲)، *کردها ترکها عربها*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر روز بهان.
- بییتس، دانیل و پلاگ، فرد (۱۳۸۷)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- جامی، مولانا عبدالرحمن (۱۳۷۵)، *نفحات الانس*، تهران: انتشارات علمی.
- روحانی، کمال (۱۳۸۵)، *تاریخ جامع تصوف کردستان*، پیرانشهر: نشر سامرند.
- ریویر، کلود (۱۳۷۹)، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- سلمی، عبدالرحمن محمد بن حسین (۱۳۸۵)، *نخستین زنان صوفی*، تحقیق و ترجمه مریم حسینی، تهران: انتشارات علم.
- عسگری خانقاه، اصغر (۱۳۷۵)، *مردم‌شناسی (روش بینش تجربه)*، تهران: انتشارات سمت.
- عربستانی، مهرداد (۱۳۷۹)، *شکل‌گرایی و بی‌شکلی در دین‌ورزی با مطالعه‌ای در دراویش قادری استان کرمانشاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- موسایی، میثم و عزیزبانی‌فر، جمال (۱۳۸۴)، *پژوهشی در آیین دینداری و دین‌ورزی طریقت قادریه در مناطق کردستان*، نامه انسان‌شناسی، سال ۴، شماره ۸، صص ۱۷۱-۱۴۰.
- وان برویین سن، مارتین (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی مردم کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید.
- نوربخش، جواد (۱۳۸۱)، *زنان صوفی*، انتشارات یلداقلم.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷)، *سراغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیر دینی) تاریخچه پیدایی و برآمدن اندیشه نوین*، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- علوی، علی (۱۳۶۸)، *آداب خانقاه قادریه در کردستان*، پایان‌نامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- سلیمی، رئوف (۱۳۵۴)، *بررسی تصوف (طریقت قادری و نقشبندی) در کردستان مورد مطالعه بانه*، پایان‌نامه کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- توکلی، محمد رئوف (۱۳۵۴)، *تاریخ تصوف در کردستان*، ناشر: مولف.

Neubauer, Anna (2009), *Soufisme et Autorité Féminine à Istanbul*, Université de Neuchâtel

مختاریان، بهار (۱۳۸۸)، *مختصری درباره انسان‌شناسی دین*، در

<http://anthropology.ir/node/4241>